

# مختصری در باب تاریخ جنبش کمونیستی، مائوئیستی ترکیه





مختصری در باب جنبش کمونیستی، مائوئیستی ترکیه

ترجمه از انگلیسی به فارسی

انتشارات **شورش**

بهمن ماه 1392

**WWW.SHOURESH-IRAN.BLOGSPOT.COM**

**EMAIL: SHOURESH.MAGAZINE@GMAIL.COM**

**FACEBOOK: SHOURESH-MAGAZINE**

## مختصری در باب جنبش کمونیستی، مائوئیستی ترکیه

**توضیح شورش:** اولین حزب کمونیست ترکیه با مشی لنینیستی، در سال 1921 تاسیس شد. در جریان یک رشته انشعابات و صف آرائی های جدید از میان حزب کمونیست ترکیه، مراکز مختلفی سر بلند کرد که هر یک تحت همان نام و یا با نام های مشابه فعالیت می کردند و مدعی میراث آن حزب بوده اند. نام دو گروه بندی بزرگ امروز دقیقاً یکی است و فقط با دو علامت مختلف از هم تمیز داده می شوند: حزب کمونیست ترکیه (م ل) [به اختصار: ت ک پ (م ل)] و دیگری حزب کمونیست ترکیه - م ل [به اختصار: ت ک پ - م ل].

تشابه ظاهری این اسامی مراکز مختلف برای بسیاری از نسل جوان کمونیست در سراسر جهان که خواهان آشنائی با جنبش کمونیستی ترکیه هستند، کمی چالش بر انگیز است. نام دو گروه بزرگ امروزه یکی است و فقط با یک علامت "-" از هم تمیز داده می شوند.

البته در این بین، گروه سوم دیگری هم با نام حزب کمونیست ترکیه - م ل (مرکز مائوئیستی) کماکان موجودیت دارد و نوشته حاضر در واقع ترجمه ای است از مقاله ای به نام "تاریخ جنبش کمونیستی در ترکیه"، مورخه آوریل و می 2001 در خصوص تاریخچه این حزب و مندرج در شماره 4-5 نشریه "راهپیمائی خلق" که "صدای انقلاب مائوئیستی" هند می باشد.

ویراستار نشریه "راهپیمائی خلق" نوشته است: [این آخرین مجموعه از مقالات معرفی مبارزات بزرگ مسلحانه مائوئیست ها در جهان است و با توجه به بسیاری از اطلاعات که به زبان ترکی می باشد، این نوشته تلخیص و نسبتاً کوتاه می باشد].

ترکیه، با جمعیت 62 میلیون و به مساحت 8 هزار کیلومتر مربع، یکی از کشورهای استراتژیک جهان می باشد. با اروپا و خاورمیانه مرتبط و هم مرز است. به بالکان و شرق اروپا متصل شده و یک پل اتصالی به شمال آفریقا است. با 7 کشور یونان، بلغارستان، گرجستان، ارمنستان، ایران، عراق و سوریه و همچنین با دریای سیاه در شمال و دریای مدیترانه در غرب هم مرز است. به همین جهت پیروزی انقلاب در ترکیه، تاثیر زیادی بر روی تمامی منطقه ی اروپا، بالکان، آسیای مرکزی، خاورمیانه و تا حدی شمال آفریقا خواهد داشت.

اگر چه بخش عمده ای از جمعیت آن مسلمان است، اما جمعیت قابل ملاحظه ی 3 میلیون مسیحی را دارد. با توجه به اهمیت استراتژیک، پس از اسرائیل، ترکیه حامی اصلی امپریالیسم آمریکا در منطقه است. بنابراین، جنبش مائوئیستی در ترکیه از اهمیت جغرافیایی-سیاسی عظیمی به عنوان بخشی از انقلاب جهانی برخوردار است.

## تاریخچه

حزب کمونیست ترکیه در سال 1921 (یک سال بعد از تاسیس حزب کمونیست ایران - ژوئن 1920 - به رهبری حیدر عموغلی تاسیس شد. مترجم) در جلسه ای که در آذربایجان برگزار شد تأسیس گردید. هنگامی که رفقای موسس حزب در حال بازگشت از آن جلسه بودند، تمام 13 نفر از جمله رهبر آنها مصطفی صوپی (Suphi) در منطقه دریای سیاه کشته شدند. از آن پس تا سالهای 1960 یک حزب کمونیست رویونیست در ترکیه وجود داشته است.

انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی در چین (1966) تاثیر قابل توجهی در انقلابیون ترکیه داشت. در طول انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین، در ترکیه یک جنبش ضد امپریالیستی رادیکال، که رهبری فرمیست جنبش را به چالش کشید، شکل گرفت. در سالهای 1970، از درون این قیامها، که عمدتاً توسط دانشجویان آغاز شد، سه سازمان رادیکال تکامل یافته و بوجود آمد که عبارت اند از:

1. (ت.اچ.ک.او، THKO. ارتش آزادیبخش خلق ترکیه)، یا حزب کمونیست ترکیه - م ل، که طرفدار خط انور خوجه (آلبانی) شد.

2. (ت.اچ.ک.پ. - سی. THKP - C، در حال حاضر به نام DHKP - C حزب انقلابی رهایی بخش خلق - جبهه) طرفدار مشی کوبا.

3. ت.ک.پ - م ل، حزب کمونیست ترکیه - مارکسیست لنینیست

در دهه 1960، در درون ( THKP حزب کمونیست خلق ترکیه) در مورد مسائلی از جمله کمالیسم، مسئله ملی (به طور خاص خلق کردستان)، تجزیه و تحلیل اجتماعی و اقتصادی ترکیه، راه انقلاب، و غیره، بحث و مناظره شدیدی در گرفت و در جریان این امر، ابراهیم کاپاک کایای جوان، مبارزه ی ایدئولوژیک انقلابیون علیه رفرمیستها را رهبری نمود. او مطرح کرد که در دوران امپراطوری عثمانی، ترکیه یک کشور فئودالی و استعماری بود؛ در حالیکه این کشور در دوران کمال پاشا به یک کشور نیمه مستعمره و نیمه فئودالی تغییر کرد و در زمانیکه دیگران کمالیسم را به عنوان جریان متری به تصویر می کشیدند، کاپاک کایا آنرا به عنوان یک جریان فاشیستی تجزیه و تحلیل نمود. همچنین او بود که برای اولین بار درک علمی از مسئله ملی در ترکیه را طرح کرد، و دو ملت-کردی و ترکی را تعریف و توضیح داد. هیچ کدام از دیگر نیروهای انقلابی که شوونیستهای اجتماعی بودند، ملت کرد را به رسمیت نمی شناختند و آنها را فقط به عنوان یک اقلیت می شناختند. او استراتژی اساسی اولیه مائوئیستی برای انقلاب را طرح و به پیش گذارد، و مرزبندی روشن و خط فاصل بین مارکسیسم و رویونیسم، نه تنها در عرصه ایدئولوژیک بلکه در مورد مسائل تشکیلاتی را نیز ترسیم نمود. در زمانیکه انقلابیون بسیاری از نیروهای خرده بورژوازی، مبارزه مسلحانه را با توصل به تئوری های چه گوارا را پذیرفته و راهنمای عمل خود قرار داده بودند، کاپاک کایا بود که مسیر جنگ درازمدت خلق را پیش روی جنبش گذارد. هر چند بسیاری از این گروه ها تحت تاثیر مائو قرار داشتند، اما هیچ کدام خدمات مائو به مارکسیسم را نمی پذیرفتند و باز این کاپاک کایا بود که گفت اندیشه مائوتسه دون یک مرحله بالاتر در تکامل مارکسیسم می باشد.

این او (کاپاک کایا) بود که از رهبری THKP رفرمیست (که در حال حاضر به عنوان "حزب کارگران" یا به ترکی Isci Partisi شناخته می شود) گسست نمود و حزب کمونیست ترکیه (TKP) (ML) در تاریخ 24 آوریل سال 1972 را تاسیس نمود. او 11 اصل را برای هدایت جنبش تدوین نمود

و گفت که اصل وجود و رهبری حزب عمده است، تشکیل ارتش خلق یک وظیفه اولیه و عمده است، روستا و منطقه غیر شهری عمده می باشد و غیره... اما متأسفانه وی در اوایل سال 1973، در برخورد با دشمن مجروح شد. اگرچه او موفق به فرار شد، اما بعداً دوباره گرفتار گشته و برای ماه ها تحت شکنجه های شدید قرار گرفت. دولت فاشیستی ترکیه، که موفق به دریافت هیچگونه اسرار سازمانی از او نشد، او را در 18 ماه مه 1973 در سیاهچال های دیاربکر (واقع در منطقه درسیم Dersim) به قتل رساند و در این هنگام او تنها 24 سال سن داشت.

علیرغم آنکه شهادت کاپیاک کایا، حزب را فاقد رهبری مرکزی نمود؛ اما سازمان های محلی به عنوان یک گام به سمت سازماندهی مرکزی رشد نمودند. وی در سال 1976، حزب با اولین انشعاب جدی مواجه گشت و به این ترتیب جناحی که تحت نام "اتحاد خلق" (Halkin Birliđi) شکل گرفته بود که با خط اساسی تشکیلاتی حزب مخالفت نمود. این گروه رویزیونیست طرفدار آلبانی تا سال 1994، قبل از آنکه به گروه دیگری بپیوندد، با نام "حزب کمونیست ترکیه - حرکت مارکسیست لنینیستی" (TKP- ML Hareketi) فعالیت نمود، که بعد از آن به حزب کمونیست مارکسیست لنینیست (MLKP) تغییر نام داد.

در سال 1978 اولین کنفرانس حزب برگزار شد و در حالیکه یک مبارزه قدرتمند با انحراف راست (که به راه های مسالمت آمیز مبارزه معتقد بود) رهبری متمرکز را شکل داد ولی، در جلسه چهارم کمیته مرکزی، از خط مارکسیست-لنینیست-مائوئیست عدول و به سمت درک راست روانه (گرایش اپورتونیستی راست) گرایش پیدا نمود. با وجود آنکه جنگ خلق را پذیرفت، اما تنها در تئوری باقی ماند، و هیچ گام مشخصی برای پیشبرد مبارزه مسلحانه برداشته نشد. اگر چه این کشور برای وقوع

کودتای نظامی 12 سپتامبر 1980 آماده می شد، گرایش راست حاکم بر کمیته مرکزی هیچ کاری برای آماده سازی حزب ننمود.

کودتای 12 سپتامبر یک حمله گسترده به تمام سازمان های انقلابی را به دنبال داشت. یورش تنها به کشتار، شکنجه، اعدامهای (ترور.م) خیابانی و غیره محدود نمی شد، بلکه همچنان با تهاجم اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی همراه بود. بسیاری از رهبران سازمانهای کشور فرار کردند و بسیاری دیگر منفعل شدند.

با این حال، کنفرانس دوم حزب با موفقیت در ژانویه 1981 برگزار گشت. کنفرانس در درجه اول خط مائوئیستی، در برابر حملات جناح طرفدار انور خوجه را تایید کرد. هر چند مبارزه مسلحانه را تایید نمود، اما در این کنفرانس تجزیه و تحلیل کنکرت و مشخص صورت گرفته از کشور بسیار به دور از شرایط واقعی در ترکیه بود.

همچنین، طولی نکشید که اعضای کمیته مرکزی دوم در کنفرانس تغییر یافتند، اما این اعضا به سرعت، یا توسط دشمن اسیر و یا در درگیری مسلحانه کشته شدند. دبیر کل حزب، رفیق سلیمان سیهان در سال 1981 دستگیر شد. او را به طرز وحشیانه ای شکنجه و سپس به قتل رساندند و حزب اکثر اعضای کمیته مرکزی خود را از دست داد. خط حزب باز به توسط تصمیم مشترک اعضای جدید بار دیگر به سمت راست رفت، و شدت جنگ چریکی آهسته شد و به این ترتیب عقبگرد و شکست سازمانی، به علت سرکوب فاشیستی با یک عقبگرد و شکست سیاسی و ایدئولوژیک نیز تداخل نمود.

در زمانیکه آشفته گی های سیاسی، توسط هر دو گرایش "چپ" و گرایش های فرصت طلبانه ی (اپورتونیستی) راست، زندگی حزب را به طور جدی تحت تاثیر قرار داده بود، حزب کنفرانس سوم



خود را در سال 1987 برگزار نمود. انتقاد علیه اپورتونیسیم راست حتی شدت بیشتری گرفت، ولی هفت نماینده کنفرانس در راه خود به درسیم (Dersim) که کنفرانس در آنجا برگزار می شد به شهادت رسیدند و همین کنفرانس تصمیم گرفت که جنگ چریکی را به عنوان وظیفه اصلی پیش روی بگذارد. در این کنفرانس دو روند و دو گرایش وجود داشتند که روند دوم یک گرایش نظامی گرایایی که خود را به نام دابک (DABK) می نامید، بود. اگر چه در این کنفرانس متحد شد، اما بعداً از حزب انشعاب کرده و جدا شد.

چهارمین کنفرانس حزب در سال 1991 زمانیکه سوسیالیسم در سطح بین المللی تحت حملات گسترده بود، برگزار شد. این کنفرانس به صورتی پایدار و محکم مارکسیسم انقلابی را تایید کرد، شکست حاضر را موقتی توصیف نمود، گرایش های ملی گرایانه در کشور را تجزیه و تحلیل کرده و اظهار داشت که وظیفه اصلی حزب همچنان ادامه جنگ چریکی برای تصرف قدرت سیاسی سرخ است. در این کنفرانس همچنین تصمیم بر اتحاد با جریان دابک (DABK) که در سال 1987 از حزب انشعاب نموده بود، گرفته شد و برای این منظور یک کمیسیون وحدت برای انجام کارهای مقدماتی انتخاب گردید.

حزب در آوریل سال 1993 با گروه "دابک" متحد شده، و به منظور مشخص کردن مشکلات و تقویت وحدت، کنفرانس فوق العاده ای را در ماه مه و ژوئن 1993 فراخوان داده و برگزار نمود. مهمترین تصمیم در این کنفرانس تغییر مقوله اندیشه مائوتسه دون به مائوئیسم بود. این کنفرانس تحلیل نمود؛ اگر چه محتوای اندیشه مائوتسه دون به درستی درک شده بود، اما تدوین آن ناقص بوده است. اما مشکلات با گروه "دابک" ادامه یافت، و یک بار دیگر در سال 1994 انشعاب دیگری

رخ می دهد و حزب با اضافه کردن و استفاده از حروف مارکسیست-لنینیست در پراگماتیک به آخر نام خویش به فعالیتش ادامه داد.

ضمناً، حزب بخاطر آماده سازی مقدمات کنفرانس فوق العاده ی دوم خویش، جنبش تصحیح و تغییر همه جانبه ای را برای به سرانجام رساندن به خاطر تجزیه و تحلیل سالهای گذشته را دامن زد. این کنفرانس در ماه اوت سال 1995 برگزار شد و تصمیم گرفت که کارزار تصحیح و تغییر از "سر تا پا" را عملی سازد- به عنوان مثال از کمیته مرکزی شروع گشت و به مبانی اشتباهات ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی رفت. اپورتونیسیم راست در درون حزب محکوم شد و به انواع انحلال طلبی پایان داده شد. همچنین در مورد سوء تفاهم ها و ضعف حزب در عرصه بین المللی به انتقاد از خود پرداخت و تصمیم گرفت اقدامات احتیاطی لازم در این زمینه شود. این کنفرانس و تحرکات تصحیحی، انگیزه های نوینی به حزب داد.

## وضعیت کنونی

امروزه این حزب دارای یک کمیته مرکزی می باشد که پنج کمیته منطقه ای تحت رهبری اش است. تمام اعضای آن انقلابیون حرفه ای هستند و با یک شبکه ی گسترده ای از هواداران متصل هستند. اگرچه این حزب در یک کشور مسلمان فعالیت می کند، ولی حزب و شاخه نظامی آن از تعداد زیادی کادر زن، از جمله در سطوح بالای حزب برخوردار بوده و تاکید و تشوق خاصی به کادرهای زن داده می شود.

این حزب دارای شاخه نظامی ای، به نام تیککو-(TIKKO) ارتش آزادیبخش دهقانان و کارگران ترکیه، با اساسنامه نظامی خاص خود می باشد و مبارزه مسلحانه در کردستان ترکیه و منطقه دریای سیاه یعنی در دو منطقه از ترکیه دامن زده شده است. ارتش آزادیبخش علاوه بر کمیساریای نظامی، تحت یک فرماندهی کل اداره می شود. جبهه منطقه دریای سیاه بعد از کنفرانس سال 1995 باز شده و به برخی از پیشرفت های عمده دست یافته است. کردستان ترکیه در شرق ترکیه منطقه ای است که حزب در آن برای مدت طولانی کار کرده است، و اما با تلفات شدیدی نیز در این منطقه مواجه شده است. بسیاری از سطوح زمین در طول بیش از سه ماه از سال کاملاً زیر پوشش برف ضخیم قرار داشته و هر دو منطقه مورد سرکوب متمرکز شدید دشمن قرار دارد. با فروپاشی موقت جنبش ملی کردستان، به دلیل خیانت رهبری پ.ک.ک (PKK) (برای توضیح بیشتر در خصوص این

مسئله پائین تر توضیحاتی موجود است)، دولت در حال حاضر قادر به تمرکز همه ی نیروهای خود در برابر مائوئیست ها شده است.

علاوه بر زمینه های مبارزه مسلحانه، حزب کمونیست ترکیه/مارکسیست-لنینیست (TKP / ML) دارای شبکه ی گسترده ای از فعالین در میان طبقه کارگر و جوانان، به ویژه در شهرهای آنکارا و استانبول است. در استانبول شبکه های بزرگی در میان کارکنان بخش خدمات و نیز برخی از اتحادیه های کارگری قوی در میان کارگران ساخته شده است و در این شهر همچنین دارای نفوذ رو به رشدی در میان دانشجویان و جوانان می باشد، طوری که جوانان دانشگاه یک مرکز اصلی برای حمایت از حزب بشمار می روند.

یک شبکه گسترده ای از مجلات به طور مستقیم یا به طور غیر مستقیم در ارتباط با حزب وجود دارد. مجله ی "کمونیست" که تنها برای اعضای حزب و هواداران نزدیک منتشر می شود و روزنامه "ایکالای" (Ikkalai) ارگان غیر قانونی حزب برای توده ها است. این روزنامه هر دو هفته یکبار به تعداد 20000 نسخه در ترکیه و 4000 نسخه در اروپا منتشر می شود. ماهنامه غیر قانونی "جوانان کمونیست" توسط حزب بیرون داده می شود، در حالی که انتشار مجله قانونی "جوانان دموکراتیک نوین" دو ماه یکبار منتشر می گردد. علاوه بر این، برای کارگران و اتحادیه ها، ماهنامه و یک مجله فرهنگی که هر دو ماه منتشر می شوند، وجود دارد. "زنان نوین" یک مجله ی مربوط به زنان، در ترکیه و نیز در خارج از کشور منتشر می شود. علاوه بر این حزب، دارای تعدادی از مجلات در سطح منطقه ای و محلی است.

همچنین در ترکیه یک جنبش دمکراتیک رو به رشد که از جنگ خلق پشتیبانی می کند وجود دارد. تعدادی از دفاتر وکلا برای کمک به مبارزات مردم وجود دارد. آنها از حقوق بشر دفاع می کنند و

تعداد زیادی گزارش تحقیقی بر علیه خشونت دولت بیرون می دهند، همچنین یک سازمان از بستگان شهدا و زندانیان سیاسی وجود دارد. این تشکل نه تنها در میان افراد مسنی که به عنوان حامیان بلکه به عنوان فعالین درگیر در این تشکل قدم به صف مبارزه گذاشته اند، از محبوبیت رو به افزایشی برخوردار می باشند. علاوه بر این، حزب دارای نفوذ زیادی در میان تبعیدیان کُرد/ترک مستقر در اروپا، به ویژه آلمان است. (در اینجا لازم به ذکر است که شهروندان ترکیه در اروپا نیز از جمله کسانی هستند که به دلیل نا امنی سیاسی، کشور را ترک نموده و پناهندگان ترک و کُرد تعداد قابل توجهی از فضای پناهندگی در اروپا را تشکیل می دهند. مترجم).

با این حال، علاوه بر شبکه ای که در مناطق شهری ساخته شده است، وظیفه اصلی تعیین شده توسط حزب، مبارزه مسلحانه است. کنفرانس فوق العاده دوم به وضوح اعلام کرد که تمرکز اصلی در خارج از شهر است و بر همه اعضای حزب برای پیشبرد چنین کاری به عنوان اولین اولویت تاکید کرد. جنگ خلق مائوئیستی در ترکیه همچنان به رشد خود ادامه می دهد، گر چه با یکی از بی رحمانه ترین دولت ها در جهان، که مورد حمایت آمریکا و اسرائیل است، روبرو می باشد. حزب در طول چند دهه ی گذشته، چهار دبیر کل، و رهبران ارشد و بیش از چهارصد کادر خویش را از دست داده است و رشد جنبش مائوئیستی در این منطقه ی استراتژیک از جهان، امید زیادی برای نیروهای انقلابی اصیل و حقیقی در سراسر جهان خواهد بود.

## در باره حزب کارگران کردستان (PKK)

تا دو سال قبل حزب کمونیست ترکیه / مارکسیست-لنینیست (مرکز مائوئیستی)، (پ.ک.ک.) را به عنوان یک حزب ملی انقلابی که برای تشکیل یک ملت مجزا مبارزه می کرد، در نظر می گرفت. اما از آن زمان به بعد آنرا به عنوان یک حزب رفرمیست و اصلاح طلب ملی تغییر یافته، تلقی می نماید. با دستگیری عبدالله اوجالان یعنی رهبر پ.ک.ک، سیر تسلیم سریع گردید. پ.ک.ک که یک شخصیت دوگانه داشت و تسلیم اش غیر قابل انتظار نبود، اما هرگز تصور و تخمین زده نمی شد که تسلیم اش تنها ظرف یک ماه اتفاق بیافتد. روند تسلیم، برای دیگران، به عنوان مثال در مورد فلسطین، که ابتدا از لحاظ ایدئولوژیک تسلیم گشت و تا زمان تسلیم نظامی نهایی چند سال طول کشید.

پس از آنکه اوجالان و رهبری پ.ک.ک تسلیم شدند، از 10000 نیروهای چریکی اش، یک سوم از آن منحل و بخش عمده ای از بقیه آن در کشورهای دیگر پراکنده شدند و تنها 150 نفر از آنان به منظور از بین بردن مبارزان واقعی در داخل ترکیه حفظ شدند. چریک هایی هم که می خواستند مبارزه مسلحانه را برای آزادی کردستان ادامه دهند، توسط رهبری پ.ک.ک شناسائی و کشته شدند. بنابراین بعد از تسلیم شدن، حدود 300 نفر از چریک های پ.ک.ک کشته شده اند. همچنین دو تن از اعضای کمیته مرکزی، که تلاش نمودند مبارزه مسلحانه را ادامه دهند، در منطقه درسیم کشته شدند.

اما مقاومت با تعدادی از چریک های بازسازمان یافته به نام "جنگجویان خط انقلابی پ.ک.ک" همچنان ادامه دارد.

در اوایل، سه و نیم لاک(هر لاک که یک واحد در سیستم شمارش نفرات در آسیای جنوبی برابر با صد هزار نفر است) از یک میلیون ارتش نظامی ترکیه علیه پ.ک.ک وارد میدان جنگ شده بودند، اما در حال حاضر و یک شب، بخش عمده ای از نیروی این ارتش آزاد شده، و به طور عمده برای سرکوب حزب کمونیست ترکیه/مارکسیست-لنینیست (TKP/ML) متمرکز شده است.



عکسی از رفیق "ابراهیم کایپاک کایا" در دادگاه فرمایشی دولت ترکیه





تمرینات نظامی ارتش آزادیبخش دهقانان و کارگران ترکیه، ارگان  
مسلح حزب کمونیست ترکیه، مارکسیست-لنینیست

